



واژه نامه آلمانی فارسی
MENSCHEN A2

ویرایش دوم





سرشناسه: ولی‌خانی، محمود رضا، ۱۳۵۵
عنوان و نام پدیدآور: واژه‌نامه آلمانی فارسی منشن A2 - مؤلف و مترجم: محمود رضا ولی-خانی
وضعیت ویراست: ویراست ۲
مشخصات نشر: تهران، راین: ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ صفحه، ۱۴،۵×۲۱،۵ س.م.
شابک: 978-600-9688-35-7
فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: چاپ چهارم
یادداشت: ویراست حاضر قبلاً تحت عنوان «واژه‌نامه آلمانی فارسی منشن A2 با ۲۰۰ لغت جدید» توسط انتشارات رامند در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است و به چاپ پنجم رسیده است.
عنوان دیگر: واژه نامه آلمانی فارسی منشن A2 با ۲۰۰ لغت جدید
موضوع: زبان آلمانی - واژه نامه‌ها - فارسی
موضوع: German Language - Dictionaries - Persian
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ و ۸۴/ف۲۶۴۵/پ۳
رده‌بندی دیویی: ۴۳۳۶
ش. کتابشناسی ملی: ۴۵۷۹۳۱۸

واژه نامه MENSHEN A2

مؤلف و مترجم: محمود رضا ولی‌خانی
ناشر: انتشارات راین
نوبت چاپ: سوم راین (در مجموع هشتم)
سال نشر: ۱۳۹۸
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۸-۳۵-۷
قیمت:
سفارش ارسال: ۰۹۱۹۰۰۸۲۹۵۷ انتشارات راین
کتاب‌های دیگر زبان آلمانی: www.nashre-rain.ir
دانلود منابع زبان آلمانی: www.m-valikhani.rozbog.com
نظرات و پیشنهادات: ۰۹۱۲۵۳۶۶۳۳۸ (مؤلف)

هر گونه کپی‌برداری فوراً تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد.

سخنی با اساتید و زبان آموزان

واضح است که از زبان آموزی که در سطوح مقدماتی قرار دارد نمی‌توان انتظار داشت در کلاس درس تمامی لغات لازم جهت درک تکالیف و متون را بدون استفاده از یک ابزار مطمئن از متن کتاب یا گفتگو با مدرس استخراج کند چرا که در هر توضیحی، کلمات جدید تر ظاهر می‌شوند. از توان و انرژی استاد نیز خارج است که تمامی لغات لازم جهت درک مطالب را در کلاس درس به آلمانی توضیح دهد، طوری که برنامه زمانی کلاس از مسیر خود خارج نشود. آیا بهتر نیست زمان و انرژی کلاس به جای توضیحات متوالی لغات، صرف تولید و اینتراکسیون شود؟

مشاهده یادداشتهای زبان آموزان در کتابشان نشان می‌دهد که چقدر در درک لغاتی که به زبان آلمانی توضیح می‌دهی، و یا در فرهنگ لغت جستجو کرده اند، اشتباه صورت می‌گیرد. آیا تجربه نکرده‌اید که زبان آموزان با دردست داشتن معنی صحیح و مطمئن لغات، سریعتر و راحت تر جملات و اصطلاحات کاربردی کتاب را "به کار می‌برند"؟ چرا که دانستن معنی صحیح لغات و اصطلاحات به زبان آموزان در به کارگیری آنها "اطمینان" می‌بخشد. ضمن اینکه بنا به تجربه شخصی استفاده از این واژه‌نامه‌ها در کلاس باعث می‌شود کمتر فارسی صحبت شود.

این واژه‌نامه مخصوصا برای زبان آموزان شاغل و دانشجو که با کمبود وقت مواجهند، این امکان را فراهم می‌کند که سریع و مطمئن به یادگیری واژگان بپردازند. آیا بهتر نیست صدها ساعت جستجوی لغات در لغتنامه صرف حفظ و به کارگیری لغات شود؟ آیا لازم نیست زبان آموزان منبعی مطمئن جهت دوره لغات کتاب در دست داشته باشند؟ این واژه نامه می‌تواند به همان اندازه که به زبان آموز کمک می‌کند، کمک بزرگی به شما همکار عزیز در پیشبرد اهداف کلاس با صرف انرژی کمتر - باشد. آیا بهتر نیست که استفاده از این واژه‌نامه‌ها در کلاس اجباری شود؟

محمود رضا ولی خانی

پس از مجموعاً ده سال تحصیلات در ایران و آلمان در ۳ رشته مترجمی، آموزش و زبانشناسی زبان آلمانی از سال ۱۳۸۸ تا کنون به تدریس، ترجمه و تألیف اشتغال دارد.

او پس از پایان دوره چهارساله کارشناسی در رشته مترجمی زبان آلمانی دانشگاه اصفهان به آلمان رفته و از ابتدا به مدت شش سال در رشته‌های آموزش زبان آلمانی و زبان‌شناسی آلمانی و علوم سیاسی در دانشگاه‌های مونیخ و دانشگاه آگسبورگ در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته به تحصیل پرداخته و با موفقیت به پایان رساند.

پس از اتمام دوره شش ساله کارشناسی ارشد در دانشگاه آگسبورگ، با دریافت گواهی‌نامه تدریس زبان آلمانی از اداره مهاجرت آلمان، در مؤسسه دولتی BfZ در آگسبورگ، به پناهندگان و مهاجران آلمانی تدریس می‌کرد. سپس به ایران بازگشت و ابتدا در مؤسسه کیهان (امید آریان سابق) و سپس در کانون زبان ایران مجموعاً به مدت شش سال به تدریس اشتغال داشت. ضمن اینکه در کانون زبان ایران، عضو ارشد تحقیقات دپارتمان زبان آلمانی بود و در آنجا به آماده‌سازی کتاب‌های کمک آموزشی زبان آلمانی نیز اشتغال داشت.

وی از همان ابتدا نیز در کنار تدریس، تألیف و ترجمه کتاب‌های کمک آموزشی زبان آلمانی می‌پرداخت و تا کنون ۱۹ عنوان کتاب کمک آموزشی زبان آلمانی به چاپ رسیده است.

از او علاوه بر این واژه‌نامه، دستور زبان منشن A1, A2, B1، و همچنین کتاب‌های کار دستور زبان منشن A2 و B1، واژه‌نامه‌های SICHER! مقاطع B1+ و B2.1 B2.2 و C1.1 و همچنین دستور زبان SICHER! مقطع B2.1 و B2.2 نیز به چاپ رسیده است.

راهنمای استفاده از واژه نامه

در هر درس فقط واژگان جدید لیست شده اند.

واژگان هر تمرین به ترتیب حروف الفبا مرتب شده اند.

شماره تمرین ها در سمت چپ نگاشته شده است.

واژگان قسمت Aktionsseiten (قسمت گفتگو در اواخر کتاب اصلی منشن) در بین تمرینات مربوطه همان درس قرار دارد.

جنسیت اسامی در سمت چپ صفحه در کنار هر اسم با حروف تعریف **der, die, das** مشخص شده است. مثلا: **-e, das Gespräch**

پسوند جمع اسامی پس از اسم قرار گرفته است. مثلا: **-e, Gespräch** (یعنی حالت جمع این اسم **Gespräche** می باشد).

علامت **(- ,)** به تنهایی به این معناست که حالت مفرد و جمع اسم شکل هم هستند
مثلا **- , der Partner**

علامت **دو نقطه (:)** در ستون واژگان آلمانی به معنی "در عبارت" می باشد.

جای خالی پس از اسم به این معناست که اسم مزبور حالت جمع ندارد و یا در آلمانی اغلب در حالت مفرد استفاده می شود. مانند **Musik** (موسیقی).

علامت **(PI)** پس از اسم به این معناست که آن لغت در آلمانی فقط در حالت جمع استفاده می شود. مانند **(PI.) Sprachkenntnisse** (معلومات زبانی)

چیدمان افقی صفحات در این کتاب به خاطر کمتر شکسته شدن جملات، وضوح، شفافیت و زیبایی متن می باشد.

LEKTION 1

LERNZIELE

das Ereignis, -se
die Familiengeschichte, -n
die Geschichte, -n
die Reihenfolge, f, -n

رخداد
سرگذشت خانواده
داستان، سرگذشت
ترتیب قرار گرفتن

Aktivitäten und Ereignisse.
Familiengeschichten erzählen: Also passt auf: ...
Hören Sie die Geschichte über Onkel Willi.
Achten Sie auf die richtige Reihenfolge!

BILDLEXIKON

das Einrad, -er
das Fußballbild, -er
klettern
die Puppe, -n
das Skateboard, -s
die Süßigkeiten (Pl)
streiten
übernachten

یکچرخه
عکس فوتبالیست ها،
کارت فوتبالی
(از جایی) بالا رفتن
عروسک
اسکیت برد
شیرینی جات
مشاچره کردن،
دعواکردن
شب جایی ماندن

Viele Kinder fahren gern Einrad.
Ich habe als Kind Fußballbilder gesammelt.
Klettern macht Spaß.
Als Kind habe ich oft mit Puppen gespielt.
Kannst du Skateboard fahren?
Kinder essen gern Süßigkeiten.
Onkel Willi und sein Vater haben gestritten.
Hast du als Kind mal draußen übernachtet?

der Witz, -e	جوک	Er hat einen guten Witz gemacht.
1 die Brezel, -n	برتسل (نوعی نان)	Paul und Franka backen Brezeln.
klappen	جفت و جور شدن	Es klappt gut.
kompliziert	پیچیده، مشکل	Paul findet Brezelbacken kompliziert.
der Teig, -e	خمیر	Sie können mit dem Teig 30 Brezeln backen.
2 das Studium	تحصیلات	Mir dauert das Studium zu lange.
3 der Ausschnitt, -e	گزیده	Hören Sie einen Ausschnitt noch einmal.
der Bäcker, -	نانوا	Mein Opa war auch schon Bäcker.
die Bäckerin, -nen		
der Cousin, -s	پسر عمه، پسر دایی	Der Sohn von Pauls Tante ist sein Cousin.
der Neffe, -n	پسر خواهر، پسر برادر	Der Sohn von meinem Bruder ist mein Neffe.
die Nichte, -n	دختر خواهر، دختر برادر	Die Tochter von seiner Schwester ist seine Nichte.
der Schwiegersohn, "-e	داماد (شوهر دختر)	Der Mann von meiner Tochter ist mein Schwiegersohn.
der Schwiegervater, "-	پدر شوهر، پدر زن	Der Vater von meiner Frau ist mein Schwiegervater.
übergeben	تحويل دادن	Mein Opa hat seine Bäckerei dann seinem Schwiegersohn übergeben.
4 die Zigarette, -n	سیگار	Sind das deine Zigaretten?
5 ausmachen	خاموش کردن	Machen sie bitte das Licht aus!
bestehen	قبول شدن	Haben Sie die Prüfung bestanden?

- besuchen
 rufen
 streiten (sich)
 verrückt (sein)
 wachsen
- 6 die Aktivität,-en
 der Flohmarkt, -e
- der Jugendliche, -n
 die Jugendliche, -n
 die Kindheitserinnerungen (Pl)
 die Lieblingsdisco, -s
- schließen
 die Sekunde, -n
 das Wahrheitsspiel, -e
- 7 aufmachen
 fleißig
 der Schluss: zum Schluss
- 8 die Abstimmung, -en

- ملاقات کردن
 صدا زدن
 جر و بحث کرن
 دیوانه (بودن)
 رشد کردن
 فعالیت
 بازار دست دوم
 فروشی
 نوجوان (۱۴ تا ۱۸
 ساله)
 خاطرات بچگی
 دیسکوی مورد
 علاقه
 بستن
 ثانیه
 بازی راستشو بگو!
 باز کردن
 با پشتکاری
 پایان : در پایان
 رأی گیری

- Besuchen Sie uns doch mal!
 Wir haben ja sofort einen Arzt gerufen.
 Sie haben sich gestritten.
 Er war schon verrückt, mein Onkel Willi!
 Geh doch dahin, wo der Pfeffer wächst!
 Welche Aktivitäten hatten Sie als Kind?
 Hast du schon mal Sachen auf dem Flohmarkt verkauft?
 Bist du als Jugendlicher oft tanzen gegangen?
 Familien- und Kindheitserinnerungen.
 Das „Paradiso“ war meine Lieblingsdisco.
 Schließen Sie Ihr Buch!
 Sie haben 90 Sekunden Zeit.
 Spielen Sie das Wahrheitsspiel.
 Er hat die Bäckerei nicht aufgemacht.
 Hier muss man fleißig lernen.
 Zum Schluss hat er sich ein Motorrad gekauft und ist nach Indien gefahren.
 Machen Sie eine Abstimmung.

aufpassen

توجه کردن

Pass auf! ...

erzählen

تعریف کردن

Habe ich euch schon von meinem Bruder erzählt?

verrückt

دیوانه

Mein Onkel war schon verrückt.

lustig

با مزه، خنده دار

Er war lustig.

nett

آدم خوب، مهربان

Die Sekretärin ist nett. Sie ist sehr freundlich.

LEKTION 2

LERNZIELE

der Einrichtungstipp, -s

راهنمایی در مورد چیدن
اثاثیه

Einrichtungstipps geben: Stellen Sie eine Lampe auf den Tisch!

der Magazintext, -e

متن مجله

Lesen Sie den Magazintext.

der Umzug, "-e

اسباب کشی

Ihre Freunde helfen beim Umzug.

die Wechselpräposition, -
en

حرف اضافه تبدیلی

an, auf, hinter, in, neben, über, unter, vor, zwischen sind Wechselpräpositionen

BILDLEXIKON

die Wand, "-e

دیوار

An der Wand hängen Bilder.

1 blöd

احمقانه

Umziehen? Das finde ich blöd.

einrichten

چیدن اشیا (در منزل یا
محل کار)

Ich richte gern Wohnungen ein.

renovieren

نوسازی کردن

Ich renoviere gern.

umziehen

اثاث کشی کردن

Ich bin schon vier Mal umgezogen.

2 diskutieren

بحث کردن

Sie sollen nicht mehr diskutieren.

die Kommode, -n

کمد کشویی، دراور

Die Kommode ist schwer.

der Möbelpacker, -

بار بر اثاثیه

Er hat als Möbelpacker gearbeitet.

die Ecke,-n	گوشه	Der Fernseher kann in der Ecke stehen.
3 das Fernsehgerät, -e	دستگاه تلویزیون	Das Fernsehgerät verstecke ich.
hängen	آویزان بودن, آویزان کردن	An der Wand hängen Bilder.
hübsch	خوشگل	Auf dem Bett liegen ein paar hübsche Kissen.
das Kissen, -	متکا, بالش	Auf dem Sofa liegen Kissen.
paar: ein paar	چند عدد	Auf dem Bett liegen ein paar hübsche Kissen.
stehen	ایستادن	Der Schrank kann in der Ecke stehen.
verstecken	مخفی کردن	Das Fernsehgerät verstecke ich im Schrank.
4 die <i>Gemeinsamkeit</i> , -en	مشترکات	Wie viele Gemeinsamkeiten finden Sie?
der Schreibtisch, -e	میز تحریر	Das Bild hängt über dem Schreibtisch.
der Vorhang, -e	پرده	In meinem Zimmer hängen Vorhänge vor dem Fenster.
5 aussehen	به نظر رسیدن	Das Zimmer sieht schön aus.
beachten	توجه کردن	Wer ein paar wichtige Dinge beachtet, hat es zu Hause immer gemütlich.
bis: bis hin zu	تا: تا حتی	Vom Klassiker bis hin zur Kuschel-Ecke ist alles möglich.
das <i>Deckenlicht</i> , -er	نورسقفی	Eine Lampe ist wärmer als Deckenlicht.
direct	مستقیم	Das Licht ist wärmer als direktes Deckenlicht.
die <i>Domizil-Redaktion</i> , -en	تحریریه (مجله) دومیتسیل	Hier die wichtigsten Tipps der DOMIZIL-Redaktion: ...

dunkel	تاریک	Große Möbelstücke machen ein Zimmer dunkel.
einrichten	چیدن اثاثیه	Zimmer einrichten macht Spaß.
erstmal	فعلا	Stell den Spiegel erstmal an die Wand.
gemütlich	راحت	Unsere Wohnung ist sehr gemütlich.
die Geschmackssache	موضوع سلیقه ای	Einrichten ist Geschmackssache.
das Heft, -e	دفتر	Leg das Buch auf das Heft.
hell	روشن	Stellen Sie große Möbelstücke vor eine helle Wand.
<i>indirect</i>	غیر مستقیم	Das Licht ist indirekt.
<i>der Klassiker, -</i>	مدل قدیمی (و هنوز محبوب)	Das Wohnzimmer mit Sofa-Landschaft ist ein Klassiker.
<i>die Kuschel-Ecke</i>	مبل کنج، مبل ال	Eine Kuschel-Ecke für Romantiker.
legen	قرار دادن (به شکل خوابانده)	Wohin soll ich das Buch legen?
das Möbelstück, -e	(یک قطعه) اثاثیه	Aufpassen müssen Sie mit großen Möbelstücken.
möglich	امکان پذیر	Alles ist möglich!
das Regal, -e	قفسه	Stellen Sie nicht zu viele Dinge auf ein Regal.
<i>der Romantiker, -</i>	(شخص) رمانتیک،	Eine Kuschel-Ecke ist für Romantiker.
<i>die Romantikerin, -nen</i>	احساساتی	

die Sofa-Landschaft, -en	سالن با منظره زیبای مبل راحتی	Vom Klassiker, dem Wohnzimmer mit Sofa-Landschaft, bis hin zur Kuschel-Ecke ist alles möglich.
der Spiegel, -	آینه	Wohin soll ich den Spiegel stellen?
der Teppich, -e	فرش	Teppiche machen einen Raum gemütlich.
der Umzug, ..-e <i>ungemütlich</i>	اثاث کشی	Helpen Ihre Freunde Ihnen beim Umzug?
das Urlaubs-Souvenir, -s	ناراحت (صفت مبلمان)	nicht gemütlich = ungemütlich
vorsicht + mit	سوغاتی	Stellen Sie nur wenige Urlaubs-Souvenirs auf ein Regal.
weniger	مواظب باش	Vorsicht mit großen Möbelstücken“
das Werkzeug, -e	کمتر	Weniger ist mehr.
6	ابزار	Etwas aus Haus oder Wohnung: das Werkzeug.
der Vorhang, ..-e	پرده	Wir müssen die Vorhänge waschen.
die Sache, -n	چیز، شیء	Ich habe viele Sachen in meinem Zimmer.
das Kissen, - beschreiben	متکا	Er schläft gern ohne Kissen.
7 der Raum,..-e	توصیف کردن	Kannst du mir deine Wohnung beschreiben?
	اتاق	Stellen Sie wenige Möbelstücke in einen kleinen Raum.
8 der <i>Abschluss</i> , ..-e	خاتمه	Ein Gedicht muss einen Abschluss haben.
die <i>Eigenschaft</i> , -en	خصوصیت	Er hat auch gute Eigenschaften.

das Gedicht, -e

شعر

Schreiben Sie ein Gedicht und lesen Sie es dann vor.

der Gegenstand, "-e

شیء

Das sind alle meine Gegenstände.

der Keller, -

زیرزمین

Unser Keller ist nicht besonders groß.

lecker

خوشمزه

Das Essen im Restaurant war lecker.

praktisch

کارآمد، به درد بخور

Ich finde den Tisch sehr praktisch.

weitschreiben

به نوشتن ادامه دادن

Schreiben Sie einfach weiter!

das Werkzeug, -e

ابزار

Wir haben kein Werkzeug für die Reparatur bei uns.

das Ziel, -e

مقصد

Ziel unserer Reise ist Österreich.

LEKTION 3

LERNZIELE

<i>ausdrücken</i>	بیان کردن	Wünsche ausdrücken: Ich würde am liebsten ... buchen.
<i>bewerten</i>	ارزیابی کردن	etwas bewerten: Die Idee gefällt mir überhaupt nicht.
buchen	رزرو کردن	Ich würde am liebsten einen Surfkurs buchen.
<i>touristisch</i>	توریستی	touristische Werbebroschüren.
überhaupt: überhaupt nicht	اصلاً: اصلاً نه	Mir gefällt das Angebot überhaupt nicht.
<i>die Vorliebe, -n</i>	تمایل، علاقه	Vorlieben und Wünsche: Ich würde am liebsten...
der Wunsch, "-e	آرزو، میل	Haben Sie sonst noch einen Wunsch?
<i>die Werbebroschüre, -n</i>	بروشور تبلیغاتی	Lesen Sie die Werbebroschüre.

BILDLEXIKON

das Dorf, "-er	ده، دهکده	Machen Sie eine Fahrt durch die Dörfer.
die Landschaft, -en	منظره (طبیعی)	Diese Landschaft ist typisch für den Norden Deutschlands.
das Meer, -e	دریا	Wir haben unseren Urlaub am Meer verbracht.
der Berg, -e	کوه	Der Berg ist 2000 Meter hoch.
der Fluss, "-e	رودخانه	Das Baden im Fluss ist verboten.